

میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری

۲

مؤسس نخستین نشرستان نقاشی در ایران

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم شناسی

اسال کعبه پنجاه سال از تولد ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری در یکصد سال پس از آنکه در نخستین نشرستان
 نقاشی است ادراک می‌سکند. هزاران کتاب و مجله در دستهای وابسته به آن نشرستان در دست
 کوشش آن نشرستان در دهه‌های گذشته در دست نگه‌دارنده و همیشه به یاد می‌ماند که در آن زمان در آن نشرستان
 میدادند. پس از آن نشرستان در این نشرستان بزرگ ادراک می‌سکند که با آن نشرستان در این نشرستان
 پایه‌های نشرستان در این نشرستان است ، در شماره (۱۰۱) بین این شرح حال به شرح
 نوزدهم از مردم شناسی ، و بسیار هستند که برینید خاطر او در ادراک نشرستان در این نشرستان
 تجدید کرده ادراک به بیان خود می‌نویسند .

انشاء حاضر ترجمه فارسی عبداللطیف طسوجی از متن
 عربی و ترجمه اشعار متن بفارسی منظوم از سر و ش است . کیفیت
 این امر در مقدمه جلد دوم کتاب چنین آمده است :
 « . . . مؤلف کتاب الف لیلة و لیله نیز بدین نمط سخن
 رانده و عجایبی چند از احوال پیشینیان و غرائبی چند بعنوان
 افسانه از زبان جانوران یاد کرده و اشعار نغز و لطایف نیکو ایراد
 نموده که مطالباتش ندما را بکار آید و اشعارش ادبا را بلاغت
 افزاید و بدان سبب خاص و عام بخواندن و شنودنش رغبتی تمام
 دارند ؛ اما چون فهم لغت عرب به ارباب فضل و ادب اختصاص
 داشت و تا زمان دولت پادشاه دشمن مال و عهد سلطنت سلطان
 بلند اقبال . . . سر شاهان محمد شاه غازی خسرو دنیا خلد الله
 ملکه ، کسی بترجمه فارسی این کتاب بلاغت نصاب نپرداخته
 بود که همه کس بهره‌یاب توانند شد ؛ بنابراین بنده ضعیف
 عبداللطیف الطسوجی التبریزی را حسب الحکم پادشاه عالم پناه
 اشاره آمد که این نسخه بدیع را از تازی به پارسی که خوشترین

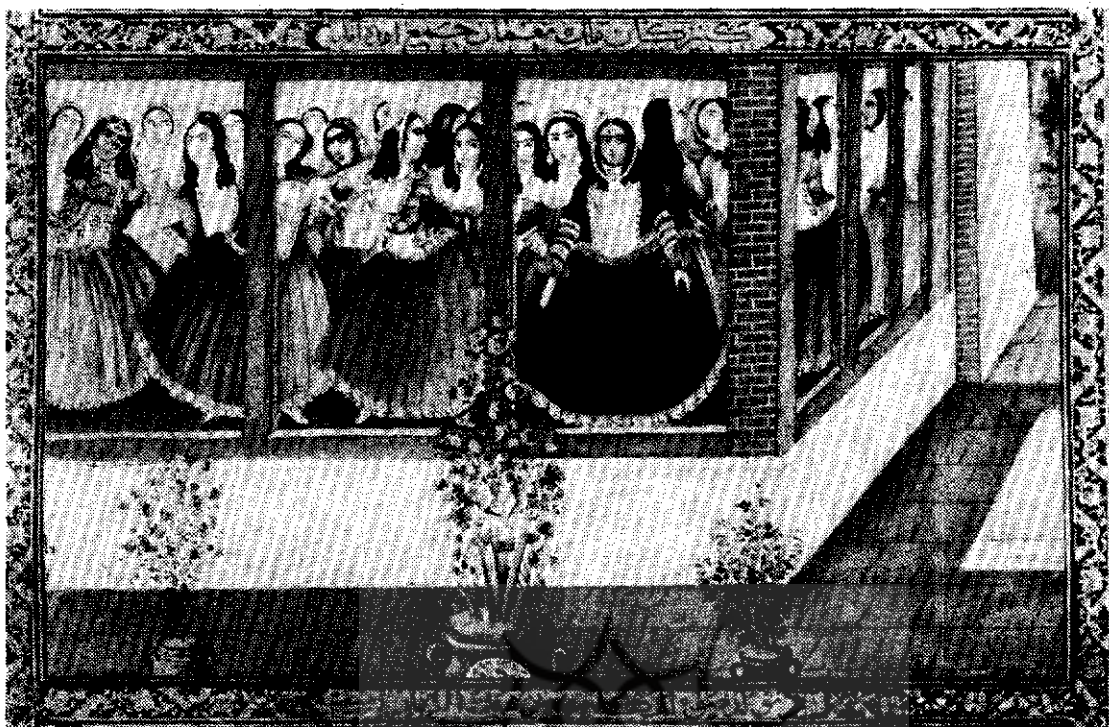
و برای استکتاب و تنظیم و تزئین آن ۴۲ هنرمند مدت
 هفت سال کوشیده‌اند . این عده عبارت بوده است از : ۳۴ نقاش
 و ۷ مجلد و مذهب و صحاف ، سرپرستی نقاشی مجالس کتاب با میرزا
 ابوالحسن خان غفاری صنیع الملک کاشانی و سرپرستی تذهیب
 و ترصیع با میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد و سرپرستی
 صحافی با میرزا علی صحاف بوده و سازنده جلد های روغنی
 میرزا احمد است .

رشید بیگدلی منشی به کیفیت تدوین این کتاب اشارتی
 دارد و مطالبی در این باب بخط شکسته نستعلیق خوش خود بسال
 ۱۲۷۶ در آخر کتاب نوشته است .

*

**

دیباچه و مقدمه کتاب درشش صفحه و سه ورق نوشته شده
 که متأسفانه ورق سوم آن که ظاهراً موجبات ترجمه و تحریر
 و انشاء بوده ساقط است .



کنیزکان ملک نعمان جمع آمده‌اند - الفبیل - کتابخانه سلطنتی

و جلد دوم در نیمه دوم مجلد سوم و مجلدات چهارم و پنجم و ششم نهاده شده است. با استثناء مقدمه کتاب که در سه ورق بوده و اکنون يك ورق آن ساقط است تمامی کتاب يك ورق پشت و رو نوشته و يك ورق پشت و رو مجالس تصویر آبرنگ عالی است و در هر صفحه مصور بیش از سه مجلس جداگانه مربوط به قصص صفحات نوشته مقابل آنرا دارد و این مجالس بوسیله يك تسمه مذهب عالی متمایز شده و عنوان هر مجلس بمرکب الوان به قلم‌های مختلف رقاع، شکسته، تعلیق، نسخ، ثلث، درحاشیه مذهب بالای هر تصویر نوشته شده است. در تمام دوره مجلدات شش‌گانه، فقط بین دو ورق نوشته، نقاشی نیست که درحاشیه نوشته‌اند «این ورق اشتباه شده انشاء الله عوض ساخته میشود» و این دو موضوع بعد از صفحه ۷۷۷ و ۹۲۷ در مجلد سوم است.

*

* *

آنچه گذشت، مشخصات و ممیزات عمومی دوره کتاب بود و اینک مشخصات خاص هر يك از مجلدات:

مجلد اول - جلد روغنی بیرون زمینه مشکی نقش گل و بوته و پرند، که در هر دف^۳ در ترنجی يك مجلس بزم و در دو سر ترنج تصویر بهائم نقاشی شده و درحاشیه در کتابه روی متن مشکی اشعاری بخط نستعلیق دودانگ عالی به سفیداب نوشته

لغاتست بیاورد و افسح الشعرا و ابلغ الفصحی ملك الکلام میرزا سزوش را فرمودند که بجای اشعار عربیه، شعر فارسی از کتب شعرا، مناسب همان مقام پدید آورد و هر شعر که بقصه‌ای منوط و بحکایتی مربوط بود، مضمون آنرا خود انشاء نماید بندگان آستان امتتالاً لا مره‌العالی و اتقیاداً لحکمه‌المتعالی، ترجمه جلد اول را با تمام رسانید و به مجلد دوم شروع نمود. امید آنکه از قتر عنایت پادشاه بلند اقبال سمت انجام پذیرد.

در صفحه مقابل این مقدمه سه مجلس تصویر است، یکی از محمدشاه قاجار که در بالای آن نوشته شده است: «تمثال همیون سلطان جنت مکان محمدشاه غازی نورالله مضجع» و در زیر آن تصویر عبداللطیف طسوجی با جامه اهل علم و دومرد معمم دیگر در مقابل اوست و نوشته شده «میرزا عبداللطیف طسوجی مترجم هذا کتاب است.» و در زیر آن تصویر سروش با کلاه بلند و دو تن دیگر با عمامه است و نوشته شده: «افصح - الشعراء میرزا سروش است.»

*

* *

طرز تدوین و تنظیم کتاب بدین قسم است که اصل متن کتاب بدو جلد تقسیم شده و تمامی کتاب در شش مجلد جلد شده است، جلد اول در مجلدات اول و دوم و نیمه‌ای از مجلد سوم،



داخل شدن جوان باطاق تاجر - الفالیل - کتابخانه سلطنتی

و ۸۵ ورق تصویر .
مجلد سوم - جلد روغنی زمینه تصویر شکار شیر ناصرالدین شاه و ملتزمان ، حاشیه بشرح مجلد دوم اندرون بوم سرخ بوته مذهب ترنج و سرترنج و گوشه بوته اندازی میناسازی ، حاشیه بشرح مجلد دوم .
 از صفحه ۷۷۲ تا ۱۱۸۵ ، ۲۰۷ ورق : ۱۰۵ ورق نوشته و ۱۰۲ ورق تصویر .
مجلد چهارم - جلد روغنی بوم مشکی مجلس بزم که ۱۲ قاب در حاشیه در آورده و در هر یک بعضی گل و برگ و بعضی مناظر دورنما نقاشی کرده اند و در هر یک از دو دف ، یک شیر و خورشید و تاج نقاشی شده و در دو تا بخت رقاع به زر نوشته اند : « حسب فرمان . . . شاهنشاه . . . ناصرالدین شاه قاجار . . . » اندرون هر دف در یک بیضی دورنمایی نقاشی شده است و در حاشیه زمینه لیموئی و مشکی بوته اندازی مذهب است .
 از صفحه ۱۱۸۶ تا ۱۵۰۵ ، ۱۶۰ ورق : ۸۰ ورق نوشته و ۸۰ ورق تصویر .
مجلد پنجم - جلد روغنی بوم مشکی گل و بوته اسلیمی

شده است ، اندرون جلد زمینه سرخ نقش بوته اسلیمی و گل و برگ مذهب با ترنج زمینه مشکی گل و برگ و سرترنجهای بوم لیموئی گل و برگ ریزه نقاشی ، حاشیه بوم مشکی گل و برگ ریزه است - دو صفحه اول متن و حاشیه یک سر لوح مذهب مرصع و حواشی مذهب مرصع عالی در دو صفحه بعد بالای صفحه در دو ترنج روی زمینه لاجوردی بخت شکسته تعلیق خوش نام ناصرالدین شاه بقلم زر نوشته شده است و مطالب مقدمه باین کلمات تمام میشود « کمترین کاتب حضرت السلطانی محمد حسین الطهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹ . »
 از صفحه ۱ تا صفحه ۴۳۱ ، ۲۱۶ ورق ، ۱۰۹ ورق نوشته و ۱۰۷ ورق تصویر .
مجلد دوم - جلد روغنی بوم مرقس گل و بوته اسلیمی ، هر دف در یک ترنج تصویر دوشیر و پرچم نقاشی شده است که تاج کیانی را در میان گرفته اند و در سرترنجها منظره دورنما نقش شده است ، حاشیه بشرح مجلد اول ، اندرون زمینه سرخ گل و بوته مذهب حاشیه بوم مشکی گل و بوته ریزه نقاشی .
 از صفحه ۴۳۲ تا ۷۷۱ ، ۱۷۰ ورق : ۸۵ ورق نوشته



ملك شرکان وملكه ابریزه حرف میزنند - الفلیل - کتابخانه سلطنتی

شهنشاه گیتی ملك ناصرالدین
که چرخش سزد تخت و خورشید و اختر
هم از خامه میرزا احمد آمد
بجلدش ریاحین جنت مصور

*

**

میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری که پس از عزل امیر کبیر
بمقام صدراعظمی ایران رسیده بود در حدود سال ۱۲۷۰ هـ. ق.
بر آن شده که در پایین باغ و قصر نگارستان (ضلع جنوبی میدان
بهارستان کنونی) باغی و عمارتی برای فرزند محبوبش نظام الملك
احداث کند. این عمارت و باغ وسیع با قسمت‌های مختلفش،
در حوالی سال ۱۲۷۸ هـ. ق. بی پایان رسید و در آرایش و تزیینات
درونی و بیرونی آن انواع تکلف بکار رفت، بطوریکه ریزه کاریها
و نقاشیهای آن مدت دو سال طول کشید.

از جمله در تزیین داخل این عمارت، صدراعظم، از
ابوالحسن خان نقاشی خواست که درازاره تالار پذیرایی آن،
تصویری بزرگ از ناصرالدین شاه و شاهزادگان و رجال دربار

منقش مذهب در ترنجهها منظره دور نما و در سر ترنجهها تصویر زن
و مرد نقاشی، حاشیه بشرح مجلد سابق اندرون بشرح مجلد دوم.
از صفحه ۱۵۰۶ تا ۱۹۴۳، ۲۱۹ ورق: ۱۱۰ ورق نوشته
و ۱۰۹ ورق تصویر.

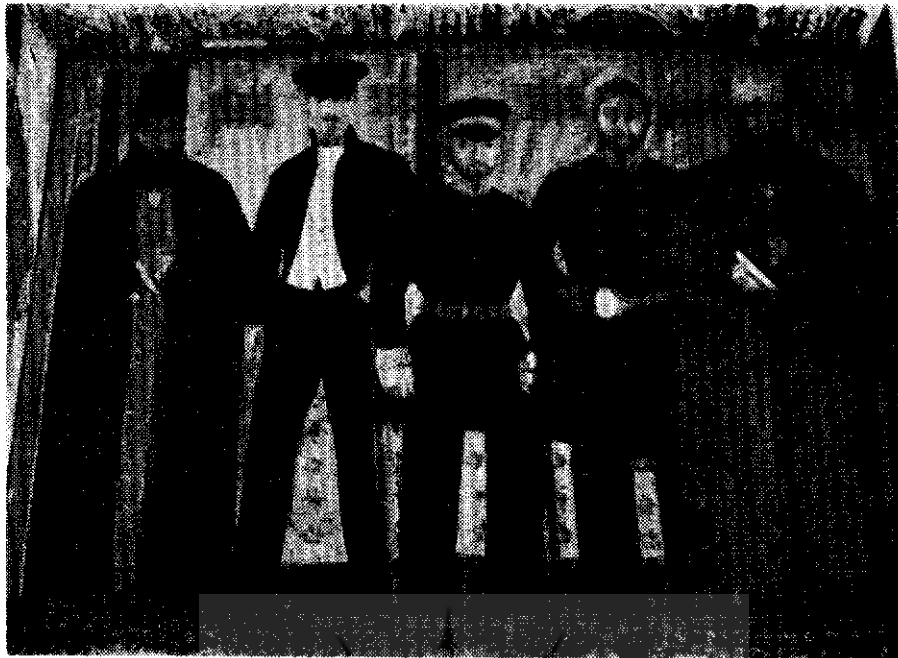
مجلد ششم - جلد روغنی بوم مشکي گل و برگ نقاشی
که در ترنجی تصویر سواری است که با شیر بالدار و در ترنج
دیگر با ازدهای بالدار می جنگد، سر ترنجهها گل و برگ ریزه
نقاشی است، حاشیه بشرح مجلد سابق، اندرون بوم سرخ بوته
مذهب نقش اسلیمی.

از صفحه ۱۹۴۴ تا ۲۲۷۹، ۱۶۸ ورق: ۸۴ ورق نوشته
و ۸۴ ورق تصویر.

اشعار حواشی پنج مجلد از مجلدات ششگانه قطعه ایست
مکرر در توصیف کتاب و بنام ناصرالدین شاه و نام جلد ساز که
«میرزا احمد» است و بعضی ابیات آن اینست:

بهشتی گر از حور خواهی مصور

نگه کن بدین نامه روح پرور . . .



تابلو رنگ‌روغنی عمارت نظامیه - نمایندگان دول خارجه

و آبرنگ ابوالحسن خان هست دیده نمی‌شود. این تابلوهای رنگ‌روغنی جالب را یکبار در اواسط جنگ بین‌المللی اول، برای موزه استانبول تا صد هزار تومان (بیول آنروز) خریدار بودند، ولی بعلت عدم تقسیم و تراضی بین وراثت خواجه نظام‌الملک نوری، خوشبختانه فروش آنها عملی نگردید، تا پس از خراب کردن عمارت نظامیه (لقانطه)، پرده‌های مزبور برای موزه ایران باستان خریداری شد و اینک در دورادور تالار خزانه موزه مزبور نصب گردیده، در معرض تماشای اهل ذوق و هنر گذاشته شده است.

تصاویر آبرنگ دیگری که در این سالها بوسیله نقاشی ترسیم گردیده و بدست ما رسیده است، اولاً چند صورت از میرزا آقاخان نوریست که یکی از آنها در سال ۱۲۷۱ ه. ق. نقاشی شده و متعلق بمادام گدارست و دیگری به آقای معصومیان تعلق دارد، و ثانیاً تصویر عباسقلی خان معتمدالدوله است که نزدیکی از مجموعه‌های خصوصی در تهرانست، و نیز چند اثر بی‌رقم و تاریخ از جمله تصاویر معیر الممالک بزرگ، کودکی پدر یا خود معیر الممالک فعلی، حکیم‌باشی و معین‌الدین میرزا است که در مجموعه آقای محسن مقدم و «شبهه نواب اشرف والا ابوالملوک ایلیخانی قاجار کیومرث میرزا ملک‌آرا» بارقم ابوالحسن غفاری نقاشی‌کاشانی و تاریخ ۱۲۷۳ در مجموعه آقای سلطان القرائی محفوظ است.

او بهنگام جلوس و تشکیل صف سلام نوروزی، نقاشی کند. ابوالحسن خان نقاشیها را در سال ۱۲۷۳ ه. ق. باتمام رسانیده بدریافت خلعت و انعامات مناسب مفتخر گردید.

نقاشی‌های این تالار، مرکب از هفت پرده و شامل ۸۴ صورت است که در یک قسمت آن ناصرالدین‌شاه در حدود ۲۵ سالگی بالباس رسمی و جواهرات درحالی که بر تخت خورشید (تخت طاوس) جلوس کرده و در طرفین او برادران و پسرانش از جمله معین‌الدین میرزا یکی از ولیعهدهای سابق او ولدها و معلمینشان ایستاده‌اند، نشان داده شده، و در قسمت‌های دیگر، شاهزادگان و وزراء و سفراء و امرای لشکر و ایلیخانان و اعیان و معاریف با لباس‌های رسمی و جبه و شال کلاه، نقاشی شده‌اند. این تابلو بزرگ و مفصل، مجموعه جالبی از صورت رجال و بزرگان ایران در آن عهد بشمار میرود و گذشته از جنبه هنری آن از این حیث نیز بسیار با ارزش است.

چنین بنظر می‌رسد که ابوالحسن خان در نقاشی این پرده‌ها، ابتدا طرح کوچکی از صورت و قیافه اشخاص، با آبرنگ روی کاغذ می‌ساخته (اتود) و سپس آنرا بقطع بزرگتر با رنگ‌روغن بر روی بوم منتقل می‌کرده است، در اینجا نیز اغلب چهره‌ها و قیافه‌ها را خود نقاشی کرده، بقیه قسمتها را بشاگردانش واگذار می‌کرده است، و گویا بهمین سبب است که در این تصاویر، آن دقت و مهارت و لطافتی که در سایر کارهای روغنی



تابلو رنگ روغنی عمارت نظامیه

سه قیافه از تابلوهای رنگ روغنی عمارت نظامیه



از آثار جالب ابوالحسن خان نقاشباشی در این سالها، شمایل حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بوده^{۱۱} که درباره آن در روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۳۱۷ مورخ غرّه رجب ۱۲۷۳ ه. ق. چنین نوشته شده است :

«عالیجاه میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی که تربیت یافته خاص دربار گردون مناص و در فن تصویر و شبیه کشی بی عدیل و نظیر است ، مدتی در صفحات فرنگستان تحصیل نموده و صنعت شبیه کشی را که در ایران سابقاً چندان معمول نبود و استادان کامل درست از عهده بر نیامده بودند بسر حد کمال رسانید

۱۱ - نویسنده این مقاله دو سال پیش که سمت ریاست موزه هنرهای تزئینی را داشت ، شمایل رنگ روغنی بسیار عالی برای موزه مزبور خریداری کرده که سابقاً جزو شمایلهای «شمایل خانه» ناصرالدین شاه بوده و عکس آن نیز در موزه جواهرات سلطنتی در گنجینه بیستم تحت شماره ۳۸ در داخل قاب زرین الماس نشانی نصب گردیده است . این شمایل بعدها بدست مرحوم حاج محسن السلطنه اسفندیاری رسیده ، پس از فوت او جزو اشیاء اسقاط یکی از پیشخدمتهایش بخشیده شده بود که از او برای موزه خریداری گردید . گرچه شمایل مزبور رقم و تاریخ ندارد و از بعضی جهات با طرز کار صنایع الملک تفاوتی دارد ولی شاید بتوان گفت که این شمایل همانست که تفصیلات در روزنامه وقایع اتفاقیه درج شده است ؟!



شبهه کودکی معبر الممالک (گویا معبر الممالک فعلی) -
آبرنگ - مجموعه آقای محسن مقدم



شبهه پدر بزرگ معبر الممالک فعلی - آبرنگ - مجموعه
آقای محسن مقدم

حکیم‌باشی - آبرنگ - مجموعه آقای محسن مقدم



و وحید عصر خود گردید و خدماتش همگی مقبول خاکپای
اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی افتاده و مورد شمول مراسم
شاهانه گردیده است از جمله در تصویر تمثال بیمثال حضرت
مولای کل، هادی سبل، اسدالله‌الغالب، امیرالمؤمنین علی بن
ابیطالب علیه آلاف التحية والسلام، کمال مهارت و استادی را
بکار برده بود، موجب اهتزاز مکارم علیه خسروانه گردیده،
موازی يك عدد جعبه جای رنگ نقاشی طلاکه در وسط گل
الماس و شیر و خورشید دارد و بسیار ثمین و گرانبهاست برای
مزید مفاخرت و امیدواری او مرحمت و عنایت فرمودند.

یکی دیگر از کارهای جالب نقاشی غفاری در این
دوره، تابلو آبرنگ بقطع متوسط از يك مجلس عیادت است که
در آن شبهه میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی و بیمار وی و گروهی
از زنان نقاشی شده‌اند. این اثر رقم «ابوالحسن نقاشی»
و تاریخ ۱۲۷۶ ه. ق. دارد و چون شبهه نیم‌تنه‌یی از همین
طبیب معروف و حاذق دوره ناصرالدین شاه در شماره ۴۹۹
روزنامه دولت‌علیه ایران مورخ دهم ربیع‌الاول ۱۲۷۸ ه. ق.
بجای رسیده و شمه‌یی از حذاقت او در معالجه بیماران و بائی
درج گردیده است، بنابراین هیچگونه شکی در شناسایی شخصیت

مزبور در معرض تماشا گذاشته شده است . چنانکه قبلاً هم اشاره کردیم ، ابوالحسن خان دراروپا ، علاوه بر تکمیل رشته نقاشی ، در امور چاپ لیتوگرافی نیز تحصیل کرده ، اطلاعات مفیدی کسب کرده بود ، باین سبب در سال ۱۲۷۷ ه . ق . ریاست دارالطباعة و اداره امور چاپ و انتشار «روزنامه و قایع اتفاقیه» که از تأسیسات مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر بود و تا آن موقع تا شماره ۴۷۱ بطور هفتگی منتشر گردیده بود ، از طرف ناصرالدین شاه بعهدہ میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی گذاشته شد و شاه از او خواست که روزنامه مزبور را بصورت آبرومندتر و بهتری درآورده ،



شبهه معین‌الدین میرزا پسر ناصرالدین شاه که ولیعهد بوده - آبرنگ - مجموعه آقای محسن مقدم

شمایل حضرت امیر علی علیه السلام - رنگروغنی - موزه هنرهای تزئینی



او باقی نمی ماند^{۱۲} .

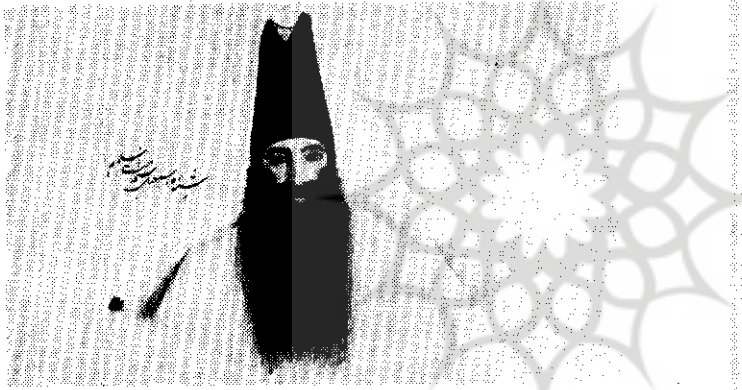
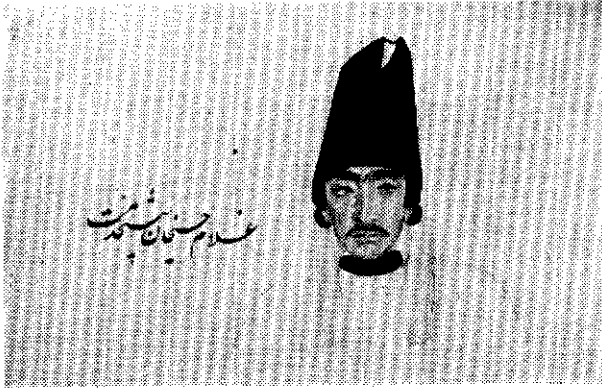
این تابلو چند سال پیش از کاشان بتهران آورده شده ، برای موزه هنرهای تزئینی خریداری گردید و اینک در موزه

۱۲ - چون متأسفانه باشتباه شهرت داده شده که مریض بستری در این تابلو تصویر «آقاخان محلاتی» (جد کریم آقاخان) است و این موضوع نیز درص ۱۰ روزنامه کیهان انگلیسی مورخ ۷ ژوئن ۱۹۶۲ در رپورتاژ آقای کریم امامی منعکس و منتشر گردیده و باعث سئوالات بی‌دربی شده است و حتی کسانی از اسمعیلیان هند و پاکستان برای دیدن تابلو مزبور بموزه هنرهای تزئینی مراجعه کرده اند ، از اینرو در اینجا یادآوری می کنیم که : چه در هنگام نقاشی این تابلو (سال ۱۲۷۳ ه . ق .) وجه در قبل و بعد آن - نه تنها «آقاخان اول» (داماد فتحعلی شاه) که یاغی شده و با دولت ایران بجنگ برخاسته و بهندگریخته بود ، بلکه فرزند او (آقاخان دوم) نیز بهیچ وجه اجازه نداشتند که قدم در خاک ایران بگذارند ، تاچه رسد باینکه در اینجا مریض و بستری شوند و میرزا ابوالفضل کاشانی بمعالجه آنان قیام نماید؟ بدون شك این شهرت اشتباهی بیش نیست ، جز اینکه فروشنده تابلو خواسته است بازار گرمی نموده ، معامله را شیرین تر انجام دهد ، علت دیگری برای پدید آوردن این شهرت غلط نمی توان یافت .

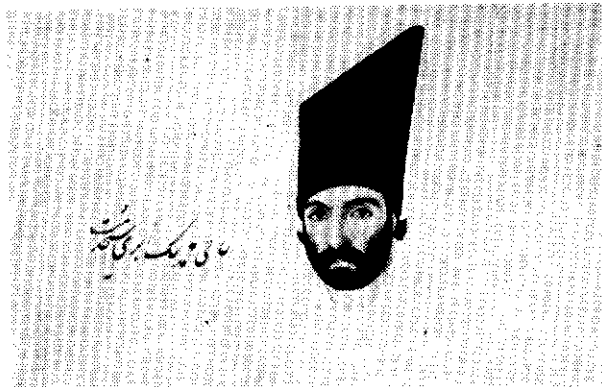
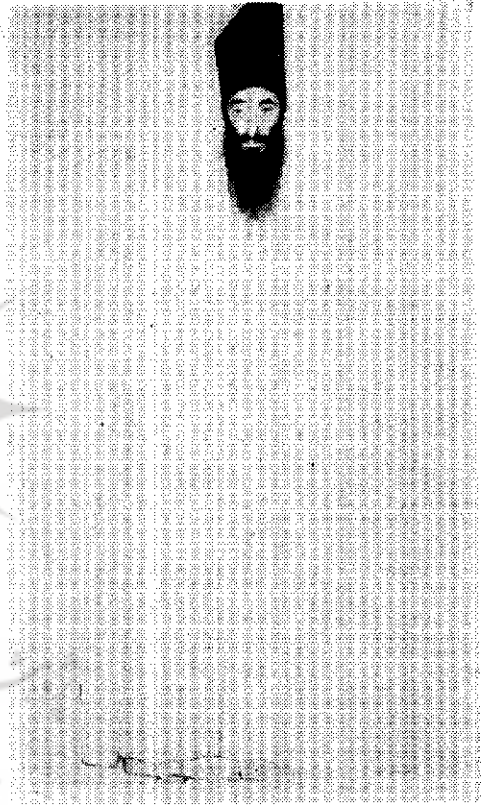


شیراز شمسیریز برین کوه خندان قویج
رتال جامع علوم انسانی





نگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تک صورتها - آبرنگ - اثر ابو الحسن خان صنیع الملک



میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی و مریض - آبرنگ - موزه هنرهای تریینی

« شبیه عالیجاه مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی محمدناصرخان . رقم
 ابوالحسن نقاشباشی کاشانی غفاری » . محمدناصرخان قاجار ،
 ظهیرالدوله - آبرنگ ، حوضخانه کاخ گلستان



ضمناً درهر شماره ، تصاویری از رجال و شخصیت‌های درباری
 و سیاسی و مناظر تهران و بعضی وقایع و اتفاقات ، نقاشی و چاپ کند.
 میرزا ابوالحسن خان از شماره ۴۷۲ عنوان روزنامه فوق
 را به «روزنامه دولت علیه ایران» تبدیل کرده باقطع بزرگتر
 و خط و کاغذ خوب منتشر ساخت . این روزنامه چون رسمی
 و دولتی بود ، از اینرو درس لوح آن نقش شیر و خورشید - که
 در هر شماره نقاشی آن تجدید می گردید ، بچاپ می رسید .

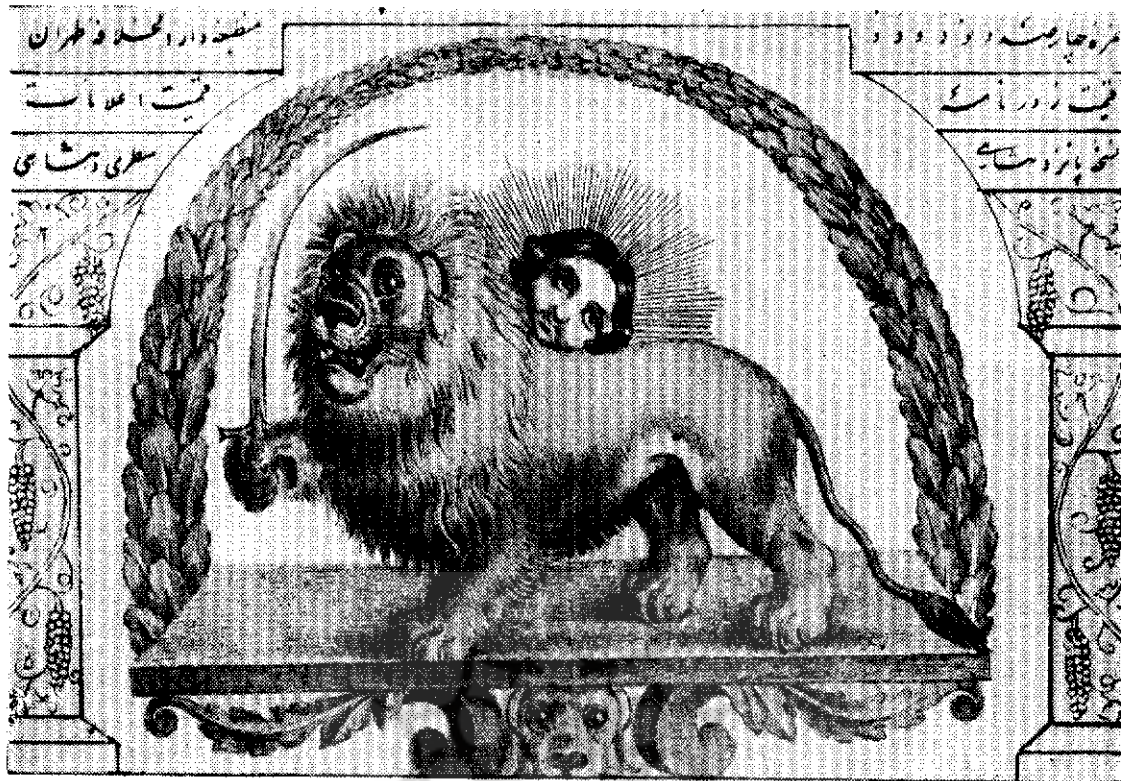
نخستین یا دومین تصویری که در این روزنامه بچاپ
 رسید ، تصویر میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی بقلم خود او بود
 که ما همان تصویر را عیناً در ابتداء این مقاله آورده ایم ، و در
 شماره ۴۷۳ مورخ پنجشنبه ۲۶ صفر ۱۲۷۷ ه . ق . پیش از
 همین تصویر ، در خصوص نقاشباشی این مطلب درج شده است :
 « چون میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی ، در فن نقاشی
 مهارت کامل حاصل کرده لیاقت و قابلیت خود را در حضور
 مهر ظهور همایون بدرجه شهود و وضوح رسانده ، خاصه در بایسمه
 تصویر که از جمله فنون معظمه و امور معضله است مهارت دارد ،
 رأی دارای جهان آرای همایون شاهنشاهی علاقه یافت که این
 فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود ، لهذا خدمت
 طبع روزنامه دار الخلافه را بعهده او محول و مرجوع فرمودند



« این شکلها را هنگامیکه سرکار بندگان
اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی
روحی و روح العالمین فداه در چمن سلطانیه
تشریف فرما بودند در سنه ۱۳۷۶ حسب الامر میرزا
ابوالحسن صنیع الملک کشیده اند » « رقم
ابوالحسن » - آبرنگ ، حوضخانه کاخ گلستان

آبرنگ - موزه سلطنتی کاخ گلستان - در گوشه سمت چپ تصویر چنین نوشته شده: «صورت عظیم خان اصفهانی است که در حکومت محمدحسین خان
داروغه اصفهان بود ، از قضا روزی خبر آوردند که دونفر از اترک مجلس شری جیده اند و . . . دارند ، عظیم خان با جمعیت کثیری می رود
با تدارک شکار کردن آنها را هم بگیرد . آنها خبردار شدند دست پر قمه کرده حمله به عظیم خان وسپاه او کردند . عظیم خان چون این دونفر را
دیده یکدفعه خود و همراهانش بدرغلطیدند . رقم چاکر درگاه شاهنشاه ابوالحسن غفاری نقاشی کاشانی در بیست و ششم ماه مبارک رمضان
صورت اتمام پذیرفت سنه ۱۳۶۸ »





نقش شیر و خورشید ، سر لوح روزنامه دولت علیه ایران . شماره ۴۹۲

و خلعت و انعام شایسته تشویق و ترغیب نمود و این فرمان در شماره ۴۹۱ مورخ دهم ذی قعدة ۱۲۷۷ همان روزنامه ، بنام او صادر گردید :

« چون میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی از ابتدای عهد شباب الی الان دقیقه از دقائق ارادت و خدمتگزاری را مهمل و متروک نگذاشته است از جمله بعد از احداث صنعت چاپ تصویر که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بر جوع خدمت طبع روزنامهجات دولتی سرافراز آمد ، در صورت دادن این خدمت نیز نهایت اهتمام و مراقبت بعمل آورده ، چاپ تصویر را در این دولت متداول ساخت و در نظر انور اقدس همایون شاهنشاهی مستحسن افتاد ، رأی جهان آرای اقدس همایون اقتضا فرمود که او را مشمول عنایتی خاص ، قرین عتر اختصاص فرمایند که موجب تشویق او و امیدواری عموم ارباب صنایع بوده باشد ، لهذا مشارالیه را باعطای لقب صنایع الملکی سرافراز و چهار صد تومان بر مواجب سابق او اضافه فرموده ، یک ثوب جبهه ترمه ، خلعت مرحمت فرمودند . فرمان همایون بشرف نفاذ مقرون و امر قدر قدر مقرر شد که نقاشخانه و چاپخانه دولتی معین دارند که مشارالیه پرده ها و اسباب مرغوبه نقاشی را که از سفر ایتالیا بهمراه خود

که باقتضای موقع در هر روزنامه چند مجلس تصویر چاپ شود ، چنانکه در روزنامه هفته گذشته و این هفته معلوم میشود . و فرمان همایون شرف اصدار یافته در حق او خلعت مرحمت گردید .

در همین شماره در زیر تصویر نقاشباشی ، عکسی نیز از دستگاه چاپ لیتوگرافی ، که روزنامه و تصاویر بوسیله آن بچاپ می رسیده ، باسمه شده که خوانندگان ، همان عکس را نیز در این صفحه ملاحظه می فرمایند .

در این روزنامه علاوه بر اخبار دربار و تهران و ولایات ، گاهی اخبار و مطالبی نیز از روزنامه های اروپایی و امریکایی ترجمه شده ، بچاپ رسیده است و چنانکه گذشت در هر شماره بمناسبت موقع و اقتضای مطلب ، یک یا چند تصویر از شخصیتها و وقایع و مناظر نیز چاپ شده که پیداست طرح اولیه آنها را نقاشباشی خود نقاشی کرده و شاگردان و کارگزارانش برای چاپ و باسمه کردن آماده ساخته اند و این اولین بار بود که در ایران روزنامه مصور منتشر می گردید .

هنوز نه ماه از آغاز انتشار روزنامه دولت علیه ایران نگذشته بود که سعی و مهارت ابوالحسن خان نقاشباشی در تغییر وضع و نفاست طبع آن ، منظور نظر ناصرالدین شاه قرار گرفته ، او را در قبال این حسن خدمت با اعطای لقب « صنایع الملک »

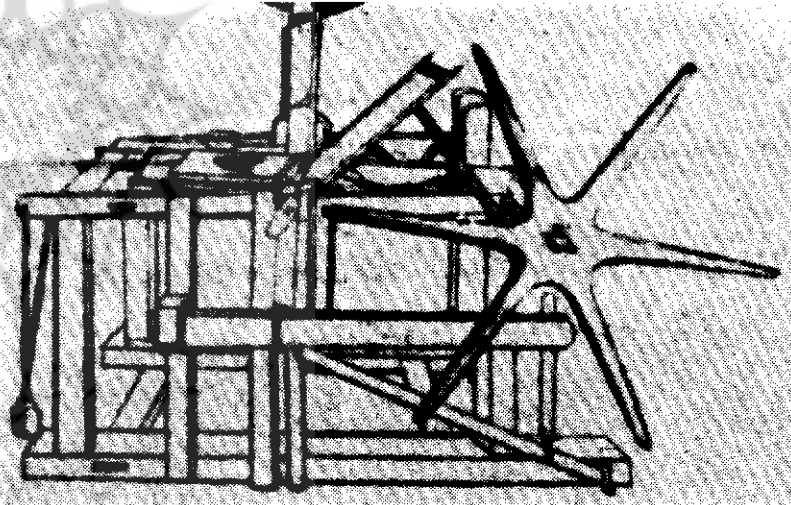
آورده ، یا در این مدت جمع آوری نموده ، با اتباع روزنامه و کارخانه در آنجا برده شاگردان عدیده نیز در این صنعت تربیت نماید»^{۱۳} .

قرب و منزلتی که میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک پس از مراجعت از سفر ایتالیا ، در نزد ناصرالدین شاه بدست آورده بود ، در واقع با صدور این فرمان ، تکمیل گردید ، همچنین بدست آوردن محلی مناسب در جنب ارك دولتی و عمارات سلطنتی برای نقاشی و تصویرسازی و چاپ نیز ، اورا در اجرا و بکار بستن یکی از آرزوهای دیرینه‌اش که تأسیس هنرستانی برای تعلیم نقاشی بود ، امیدوارتر و مصمم‌تر ساخت و بیدرنگ با وسائلی که خود برای همین منظور از ایتالیا آورده بود و با درنهران آماده کرده بود ، مقدمات تشکیل چنین مؤسسه‌یی را فراهم آورده ، در ابتدای کار برای زمین‌چینی و آماده ساختن اذهان ، در شماره ۵۸۸ روزنامه دولت علیه ایران مورخ سوم

شوال ۱۲۷۸ ه . ق . چنین منتشر ساخت :

«در روزنامه‌های قبل نوشته شده بود که حسب الامر مقرر گردیده است صنیع‌الملک نقاشی خاصه ، کارخانه باسمه تصویر و نقاشخانه دولتی ترتیب داده در آنجا پرده‌های کار استادان مشهور را با بعضی از باسمه‌های معتبر که از روی عمل استادان معتبر کشیده و طبع نموده‌اند با سایر اسباب و اوضاع ، يك مکتب‌خانه نقاشی بطوریکه در فرنگستان دیده بوده است و اسباب لازمه آنرا حسب‌الحکم با خود آورده است ترتیب داده ، بطوریکه هر کس طالب آموختن این صنعت باشد بهیچ وجه نقصی در اسباب تحصیلش نباشد بلکه سایر صاحب صنعتها هم در هر طرح و هر کار که محتاج بنمونه و امتیاز سلیقه

۱۳ - آقای خان‌ملک ساسانی که گویا این شماره از روزنامه در مجموعه ایشان نبوده و این دستخط را ندیده‌اند ، در مقاله خود تاریخ اعطای لقب را ۲۷ شعبان ۱۲۷۸ ه . ق . نوشته‌اند که البته صحیح نیست .



تصویر ماشین لیتوگرافی ، که روزنامه دولت علیه ایران با این دستگاه چاپ میشده است

صورت شاهزاده اعتضادالسلطنه - روزنامه دولت علیه ایران
شماره ۴۹۲ - اثر صنیع‌الملک



صورت عزیزخان سردارکل باسب مرحمتی - روزنامه دولت علیه ایران
شماره ۴۹۴ - اثر صنیع الملک



صورت میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی - روزنامه دولت علیه ایران
شماره ۴۹۹ - اثر صنیع الملک

که مردم جهة تماشاى آنجا مأذون باشند و این اول نقاشخانه و کارخانه باسمه تصویر است که در دولت ایران حسب الامر معمول و متداول می گردد بطور و طرز فرنگستان» .

پس از نشر این اطلاعیه ، ابوالحسن خان مقدمات کار را طوری فراهم آورد که روزی ناصرالدین شاه خود شخصاً از محل مزبور بازدید بعمل آورده ، رسماً اجازه افتتاح هنرستان نقاشی و پذیرفتن شاگرد را صادر کرد و خبر این بازدید و اعلان تأسیس و قبول شاگرد در هنرستان مزبور در شماره ۵۲۰ روزنامه دولت علیه ایران ضمن اخبار دربار چنین آمده است :

« . . . وقت عصر (روز دوشنبه بیست و یکم شوال ۱۲۷۸) که مراجعت می فرمودند ، بنقاشخانه دولتی که صنیع الملک در عمارت دیوانخانه مبارک بطور خوب و وضع مرغوب ترتیب داده است تشریف شریف همایونی ارزانی داشته ، صنیع الملک هم پیشکش و قربانی و شیرینی مهیا نموده مدتی سیاحت نقاشخانه و چاپ تصویر را فرموده زایدالوصف طرز و وضع نقاشخانه در نظر همایون مستحسن و مقبول افتاده اظهار مرحمت و عطوفت بسیار در حق صنیع الملک فرمودند . . . » . و در دنباله آن در صفحه ۶ همان شماره این آگهی بچاپ رسیده است :

اعلان نقاشخانه دولتی

« چون در روزنامه سابق قلمی شده بود که بعد از اتمام عمل

باشند معطل نباشند و همچنین کارخانه باسمه تصویر را متداول نماید که همه روزه تصاویر مختلفه از کارخانه بیرون آید و این صنایع را رواج کامل بدهد در این مدت مشغول انجام این خدمت بوده در اراک سلطانی در جنب دیوانخانه مبارک نقاشخانه و کارخانه را ترتیب داده است بنحویکه در کارخانه باسمه ، چهارچرخ درکار است و بعلاوه خدمت طبع روزنامهجات و احکامات دولتی و طبع باسمه تصاویر را چنان ممتاز نموده است که هر کس طالب چاپ نمودن شبیه خود یا مجلسی باشد ، بفاصله چند روز یک هزار صورت او در کاغذهای ضخیم طبع میگردد که نهایت امتیاز را داشته باشد . و ترتیب نقاشخانه از این قرار است که چند پرده که خود مشارالیه در سفر ایتالیا از روی عمل استاد مشهور رفائیل کشیده و از صحنه جمیع استادان گذرانیده بود ، در آنجا نصب نموده و از باسمه و صورتهای کج و سایر کارهایی که از روی عمل میکائیل (میکلاتر) ورفائیل و تیسسیانه و سایر استادان که اسامی آنها در کتاب آموختن عمل نقاشی ذکر شده است کشیده و چاپ نموده اند ، نصب نموده از هر قبیل اسباب و آلات کار را در آنجا فراهم آورده قریب باتمام است و بعد از اینکه ایام رمضان المبارک منقضی شد ، ثانیاً اعلان خواهد نمود که جوانان قابل در ایام هفته در آنجا جمع شده مشغول تحصیل باشند و هفته یکروز هم خود مشارالیه مشغول تعلیم خواهد بود و هفته دوروز هم در آنجا قراری داده خواهد شد

نقاشخانه بجهت اطلاع مردم اعلان جدید خواهد شد که هر کس خواسته باشد طفل خود را بنقاشخانه ببرد که تحصیل این صنعت لطیف نماید دانسته باشد، لهذا چون این اوقات عمل ترتیب نقاشخانه از هر حیث پرداخته شده است، اعلان و اعلام می شود که از این تاریخ به بعد هر کس خواسته باشد طفل خود را بمکتب نقاشخانه ببرد، نقاشخانه دولتی بازاست و صنایع الملک روزهای شنبه را خود بتعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ایام شاگردان در همان نقاشخانه از روی پرده های کار استاد و صورتها و باسمه های فرنگستان و غیره بمشق نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می پردازند و روز جمعه را که از ایام تعطیل ملت و دولتست بجهت آموشد تماشایان قرار شده است که از نوکران درباری و سایر اصناف امم هر کس طالب تماشای نقاشخانه باشد بیاید و تماشا نمایند. بجهت اطلاع ناظرین اعلان شد».

بدینگونه با کوششهای خستگی ناپذیر صنایع الملک، نخستین هنرستان نقاشی دولتی، برای تعلیم نقاشی بطرز واسلوب

جدید، با دست او در ایران بنیاد یافت و با تربیت شاگردان و نقاشان مبرزی در این رشته، فصل نوینی در تاریخ هنر و نقاشی ایران گشوده گشت، و اینک امسال که یکصد و پنجاه سال از تولد این استاد بزرگ و یکصد سال از بنیاد گذاری نخستین هنرستان نقاشی در ایران می گذرد، هنرهای زیبای کشور و هنرستانهای وابسته بآن که خود را بحق وارث کوششهای آن هنرمند ارزنده می شمارند و هیئت تحریریه مجله هنر و مردم که خود را وظیفه دار اشاعه این نوع فعالیتها و حق گرازیها میدانند، بیاسار جشتمندی از یک هنرمند بزرگ ایرانی که با آثار خود گنجینه هنر این سرزمین را غنا و تنوع بخشیده و پایدهای نقاشی جدید را در این کشور استوار ساخته است، این شماره را بشرح حال و معرفی نمونه آثار او اختصاص داده، بسیار خرسندند که بدینوسیله توانسته اند، خاطره او را در دلهای دوستاران هنر ایران تجدید کرده، او را به هم میهنان گرامی خود معرفی نمایند.

صنایع الملک مدت شش سال یعنی تا پایان زندگی خود، با پشتکار تمام به انتشار روزنامه و اداره امور دارالطباعه

تصویر زیر مربوط بواقعه ای است که در اتر آباد اتفاق افتاده و تفصیل آن در شماره ۴۹۴ روزنامه دولت علیه ایران مورخ محرم ۱۲۷۸ هـ.ق. باین شرح نوشته شده است: «در پنجم شهر ذی قعدة الحرام يك نفر از اهالی شهر مدعی درویشی شد که دندان مرا شکسته است و او منکر بود، لکن در واقع دندان او را همان درویش شکسته بود. کار بمرافعه و محاکمه کشید در محضر آقا سید صادق مجتهد آنجا حاضر شدند، مدعی از اثبات عاجز شده درویش در همان مجلس با سما، جلاله قسم ناحق خورد، مشغول نماز جماعت شدند، نماز ظهر را تمام کرده در نماز عصر در رکعت اول که بسجده میرفت پیک اجل مهلت نداد که درویش سر از سجده بردارد و بسر بنجه مرگ گرفتار گردید».

اصل تصویر آبرنگ گویا در تصرف آقای عبدالحسین ابوقدره است که چند سال قبل در تقویم مجلس شورای ملی چاپ رنگی شده و با شتاب به دو سه قرن قبل نسبت داده شده است.





تصویر مدادی فوق مسیو «جردتی» اولین وزیر مختار وایلیجی مخصوص پادشاه ایتالیا را در دربار ناصرالدین شاه نشان میدهد. اصل سیاه‌قلم این تصویر در تصرف آقای محسن مقدم است و باسمه آن در شماره ۵۴۸ مورخ پنجشنبه اول ربیع‌الاول ۱۳۷۹ ه. ق. روزنامه دولت علیه ایران بچاپ رسیده و تفصیل ورود و پذیرائی و شرفیابی نیز در همان شماره درج است

شده، وظیفه مراقبت آنها و نیابت وزارت علوم نیز به صنایع‌الملک محول گردیده، حکم آن چنین انتشار یافته است:

«چون توجه ملوکانه در انتظام امور دولتی از همه جهت زیاده است و در طبع روزنامه‌جات که در اداره وزارت علوم است اهتمامی تمام فرموده‌اند، حکم قضا توأم با اعتضاد السلطنه وزیر علوم صادر شده که در هر ماهی چهار طغرا روزنامه از این قرار طبع شود و میرزا ابوالحسن خان صنایع‌الملک از طرف وزارت علوم نایب باشد - اول روزنامه دولتی بدون تصویر، دوم روزنامه دولتی مصور، سوم روزنامه ملتی که بطور آزادی نوشته شود، چهارم روزنامه علمی.»

متأسفانه از این پس، دیگر نامی از صنایع‌الملک در روزنامه و نوشته‌های آن زمان دیده نمی‌شود، وضع روزنامه که چندین سال بود بصورت آبرومندی با نقاشیها و باسمه‌های استادانه طبع می‌رسید، دگرگون گردیده، نقش شیروخورشید سر لوح آن، باز بصورت بچگانه وزشتی درآمد. بدینگونه معلوم می‌شود که این استاد بزرگ در اوایل سال ۱۲۸۳ ه. ق. بایک سکنه ناگهانی جهان را بدرود گفته، رخ در نقاب خاک کشیده است.

و نقاشخانه دولتی ادامه داده، در ضمن انتشار روزنامه، صورت و شبیه بسیاری از رجال و شخصیت‌های معروف زمان خود را بوسیله نقاشی و باسمه کردن، در صفحات روزنامه بیادگار گذاشته که امروزه هر قطعه از آنها از نظر تاریخ هنر و نقاشی و صنعت چاپ ارزش بسیار دارد، ولی ادامه این فعالیت‌ها و امور مربوط به روزنامه باعث گردید که بیشتری از وقت او صرف این قبیل امور گشته و نتواند صرفاً بکارهای هنری و ساختن تابلو و نقاشیهای مستقل از روزنامه بپردازد، بطوریکه از این سالها جز «اتوهای» برخی از باسمه‌های روزنامه دولت علیه ایران که بطور متفرق در دست اشخاص و صاحبان مجموعه‌های هنری موجود است و یک قطعه تمثال بسیار کوچک آبرنگ ناصرالدین شاه که در داخل قاب جواهرنشانی درموزه جواهرات سلطنتی در گنجینه بیستم تحت شماره ۹۶ محفوظ است متأسفانه دیگر اثری از او شاخه نیست و البته این موضوع از نظر پختگی و مهارتی که صنایع‌الملک در اواخر عمر خود در کار نقاشی کسب کرده بود، ضایعه‌یی جبران‌ناپذیر و غمینی بزرگ است.

صنایع‌الملک امور دارالطباعة و روزنامه را چنان نظم و ترتیب داد که مورد تحسین و تمجید ناصرالدین شاه قرار گرفته و بارها مشمول عنایات شاهانه گردید برای مثال در روزنامه مزبور در شماره ۵۴۳ مورخ ذی‌حجه ۱۳۷۹ خبری باینصورت درج گردیده که این موضوع را بخوبی آشکار می‌سازد:

«کارخانجات دارالطباعة دارالخلافه که بر حسب امر فکدر قدر شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، بصنایع‌الملک رئیس نقاشخانه و کارخانه طبع تصویر و روزنامه‌جات و احکام دولتی سپرده شده است از آن تاریخ تا کنون کمال نظم را پیدا کرده و هیچ کاری بدون استحضار و اطلاع او چاپ نمی‌گردد و همه روزه روزنامه کلی بکارخانه دولتی می‌رسانند و عنقریب است که باین مواظبت مشارالیه ترقی کلی از برای اهل کارخانجات پیدا شود و کارهای آنها از هر جهت ممتاز شود.»

فعالیت و حسن اداره صنایع‌الملک، باعث آمد که وظایف جدیدی از طرف شاه بدو محول گردیده، در کار و شغل خود بترقیات بیشتری نایل آید، چنانکه در شماره ۵۵۲ روزنامه مورخ دوازدهم رجب ۱۳۸۰ ه. ق. در انتهای مقاله‌یی راجع بمطبوعات اینطور، نوشته شده است:

«برای اینکه امور چاپخانه‌های ممالک محروسه و طبع کتب در تحت قواعد مفید در آید و در انتظام آن اهتمامی شود، صنایع‌الملک رئیس و مباشر امور روزنامه و نقاشخانه و کارخانه دولتی باید در کلیه امور چاپخانه‌های ممالک محروسه مراقب و مواظب باشد که بعضی از نسخ که موجب اتزجار طبایع است تحت انطباع نیاید.»

و در شماره ۵۹۱ مورخ هشتم ربیع‌الاول ۱۳۸۳ انتشار سه روزنامه دیگر علاوه بر روزنامه دولت علیه ایران، اعلان



تصویر آبرنگ حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک شیرازی که باسمة آن در شماره ۵۱۲ روزنامه دولت علیه ایران بچاپ رسیده است

تأحدی چنین بدست می‌آید که وی یک هنرمند ناتورالیست بوده ، همهٔ مظاهر طبیعت را بهمان صورت و شکلی که می‌دیده ، بیان می‌کرده است .

او مشخصات و خصوصیات روحی اشخاصی را که مدل او قرار می‌گرفتند و یا در تابلوهای خود معرفی کرده ، بخوبی می‌شناخته ، و با سادگی عجیبی که مسلماً قدرت دید و دست او را میرساند ، آنها را نمایانده است .

صنیع‌الملک بیش از همه به انسان علاقه‌مند بوده ، بهمین علت هم تعداد فراوانی یکه صورت (پرتره) از کیفاهای مختلف ، از خود بیادگار نهاده است ، و اغلب آنها نظیر یکه صورتهایی که در همین شماره بچاپ رسیده ، باطرز نقطه‌پرداز کار شده است . هنرمند ، در تلفیق رنگهای صورت و توازن و هماهنگی آنها ، استادی و مهارت عجیبی نشان داده ، ظرافت و دقت و حوصله را که خاص هنرمندان ایرانیست ، بحداعلی رسانیده است .

دید صنیع‌الملک یک دید غربی است و برعکس هنرمندان قبلی ایران که دید ذهنی و درونی (سوپرکتیو) داشتند ، وی دید عینی (اوبژکتیو) دارد و این نتیجهٔ تأثیری است که آثار هنرمندان عهد رنسانس بر روی هنرمندان قرن ۱۸ و ۱۹ ایران باقی گذاشته است .

صنیع‌الملک در درجه اول یک طراح است ، لطف و ظرافت طرح‌ها و خطوط او ، آثارش را بانقاشی دیرین ایرانی یعنی مینیاتور ، پیوند میدهد ، وی تا آنجا که می‌توانسته تناسبات را با اصل طبیعت مطابقت داده ، صحت طرح را بهمان نسبت رعایت کرده است ، و مسئله ترکیب بندی (کمپوزیسیون) را باقتضای محل و موضوع ، گاه با سلوب غربی و گاه بشیوه شرقی ، باجنبهٔ کاملاً ابتکاری و اختصاصی حل کرده است و در بررسی آثارش یک نوع هزل و طنز - که نظایر آن متأسفانه در هنر ایران بس اندک است - دیده می‌شود .

سالهاییکه ابوالحسن خان صنیع‌الملک در ایتالیا بوده ، در این کشور هنوز تحول تازه‌یی در نقاشی و هنر بوجود نیامده بود و اغلب هنرمندان و کارگاههای نقاشی ، با اصول کلاسیک نقاشان عهد رنسانس پابند بودند و بهمان سبک کار می‌کردند ، و از کپی‌هایی که صنیع‌الملک انجام داده ، خود پیداست که استاد ، بهجه سبکی گرایش داشته و بکدام نقاش معتقد بوده است .

در پایان سخن باید گفت ، رویهم‌رفته صنیع‌الملک در طراحی و رنگ‌آمیزی و ترکیب بندی و انتخاب موضوع ، اصالت و ایرانی بودن خود را فراموش نکرده است و با آنکه از شیوه‌های هنر غرب بسی چیزها آموخته بود ، هیچگاه خود را در برابر آن نیاخته و شخصیت هنری خود را بزبون آن نساخته است و همین اصل است که محل و موقع او را ، در میان هنرمندان دو قرن اخیر ایران مشخص ساخته و مقام هنریش را در نظر دوستان نقاشی اصیل ایرانی بالا برود . پایان

در مورد تاریخ فوت صنیع‌الملک بعضی از نویسندگان تردید کرده و تاریخهای مختلف نوشته‌اند ، ولی بنا بر مدارکی که موجود است مسلم است که وی در سال ۱۲۸۳ ه . ق . یعنی در پنجاه و چهار سالگی از جهان درگذشته است .

فرهاد میرزا معتمدالدوله در «زنبیل» خود ماده تاریخ فوت او را «نقاشی چرسی بمرد» استخراج و ضبط کرده که حاکی از رنجشی است که بین او و فرهاد میرزا بوده است ، ولی در حال این ماده تاریخ که بحساب جمل معادل ۱۲۸۳ هجری قمری است به تردیدهای محققین و نویسندگان خاتمه داده تاریخ صحیح آنرا معلوم می‌دارد .

صنیع‌الملک از خود سه فرزند بنام‌های : اسدالله خان ، سیف‌الله خان و یحیی خان باقی گذاشت ، و این آخری که ذوق و استعداد را از پدر خود وارث برده بود و صورت هم پیدر خود شباهت بسیار داشت در نقاشی مهارت خاص بدست آورده ، از طرف ناصرالدین شاه به «ابوالحسن ثالث» مخاطب گردیده و تمام آثار خود را با این عبارت رقم زده باین اسم شهرت یافت . پیش از آنکه بدیث خود دربارهٔ صنیع‌الملک پایان دهیم ، بجاست برای تکمیل مقاله ، نظری هم با سلوب کار و شیوهٔ نقاشی و سبک هنری او بیندازیم .

از مطالعه و دقت در آثار و نمونه کارهای صنیع‌الملک

